

ورود امام خمینی به میهن اسلامی

۱۲ بهمن ۱۳۵۷



ما باید از همه طبقات ملت تشکر کنیم که این پیروزی تا اینجا به واسطه وحدت کلمه بوده است. وحدت کلمه مسلمان، همه، وحدت کلمه اقلیت های مذهبی با مسلمان، وحدت دانشگاه و مدرسه ی علمی، وحدت طبقه روحانی و جناح سیاسی، باید ما همه این رمز را بفهمیم که وحدت کلمه رمزی پیروزی است و این رمز پیروزی را از دست ندهیم و خدای نخواستہ شیاطین بین صفوف شما تفرقه نیندازند. من از همه شما تشکر می کنم و از خدای تبارک و تعالی سلامت و عزت همه شما را طلب و از خدای تبارک و تعالی قطع دست اجتناب و ایادی وابسته به آنها را خواهان هستم.»

امام « قدس سره »از فرودگاه مستقیماً به بهشت زهرا رفتند. دریایی از انسان ها همه جا موج می زد و اتومبیل با کندی می توانست حرکت کند. ساعت ها طول کشید تا این فاصله ۳۳ کیلومتری طی شد. اتومبیل حامی امام را ده ها موتور سوار حفاظت می کرد. بر سقف آن جوانان عضو کمیته استقبال قرار داشتند و از مردم درخواست می کردند که راه را باز نمایند. صدها خبرنگار و عکاس در جلو، با اتومبیل های دیگر عکس می گرفتند تا هر چه زودتر این حادثه تاریخی را مخابره نمایند. جمعیت استقبال کننده در طول ۳۳

کیلومتر از فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا را بین ۴ تا ۸ میلیون نفر یعنی، نصف از جمعیت آن زمان تهران تخمین زدند. ده ها هزار نفر از شهرهای مختلف کشور به تهران آمده بودند تا از تهرانی ها در این استقبال عقب نمانند. ورود اتومبیل حامل امام «قدس سره» به بهشت زهرا امکان پذیر نبود لذا از هلیکوپتر استفاده شد. امام «قدس سره» در بهشت زهرا و در جایی که هزاران شهید خفته بودند به فریاد آمد و فرمود: «هن به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم، من تو دهن این دولت می زنم.» فریاد الله اکبر به آسمان بلند شد... این فریاد میلیون ها مردمی بود که حق خود می دانستند که حکومت را خود

فحشاست، مراکزى که اجازه دادند برای اینکه باز باشد، مراکز فحشاست، اینها دست به دست هم دادند. در تهران مرکز مشروب فروشى، بیشتر از کتابفروشى است، مراکز فساد دنگى راى ماشاالله است.

برای چه سینمای ما مرکز فحشاست. ما با سینما مخالف نیستیم ما با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگاه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد، با مراتب تجدد مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پایش را در شرق گذاشت خصوصاً در ایران، مرکز چیزی که باید از آن استفاده تمدن بکنند ما را به توحش کشانده است. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می دانید که جوان های ما را اینها به تباهی کشیده اند و همین طور سایر این جاها. ما با اینها در این جهات مخالف هستیم. اینها به همه معنا خیانت کرده اند به مملکت. ما اما نفت ما، تمام نفت ما را به غیر دادند. به آمریکا و غیر از آمریکا دادند، آتی که به آمریکا دادند عوض چه گرفتند، عوض، اسلحه برای پایگاه درست کردن برای آقای آمریکا. ما هم نفت دادیم و هم پایگاه برای آنها درست کردیم. آمریکا با این حيله که این مردم در دخالت داشت، با این حيله نفت را از ما برد و برای خودش در عوض پایگاه درست کرد. یعنی اسلحه آورده اینجا که ارتش ما نمی تواند این اسلحه را استعمال بکند، باید مستشارهای آنها باشند، باید کارشناس های آنها باشند. این هم از ناحیه نفت که این نفت ما را اگر چند سال دیگر خدای نخواستہ این عمر بیدار کرده بود، عمر سلطنتی پیدا کرده بود، مخازن نفت ما را تمام کرده بود، زراعت مان را هم که تمام کرد، این ملت بکلی ساقط شده بود و باید عملگی کند برای اغیار. ما که فریاد می کنیم از دست این، برای این است.

خون های جوان های ما برای این جهات ریخته شده، برای اینکه آزادی ما خواهیم. ما پنجاه سال است که در اختناق بسر بردیم، نه مطبوعات داشتیم، نه رادیوی صحیح داشتیم، نه تلویزیون صحیح داشتیم، نه خطیب توانست حرف بزند، نه اهل منیر می توانستند حرف بزنند، نه امام جماعت می توانست آزاد کار خودش را ادامه بدهد، نه هیچ یک از اقشار ملت کارشان را می توانستند ادامه بدهند و در زمان ایشان هم همین اختناق به طریق بالاتر باقی است و باقی بود و الان هم باز نیمه حشاشه او که باقی است، نیمه حشاشه این اختناقی هم باقی است.

ما می گوئیم که خود آن آدم، دولت آن آدم، مجلس آن آدم، تمام اینها غیر قانونی است و اگر ادامه به این بدهند اینها مجرمند و باید محاکمه بشوند و ما آنها را محاکمه می کنیم. من دولت تعیین می کنم، من تو دهن این دولت می زنم، من دولت تعیین می کنم، من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم، من به واسطه اینکه ملت مرا قبول دارد (تکبیر حضار) این آقا که خودش هم خودش را قبول ندارد، رفقایش هم قبولش ندارند، ملت هم قبولش ندارند، ارتش هم قبولش ندارد، فقط آمریکا از این پشتیبانی کرده و فرستاده به ارتش دستور داده که از او پشتیبانی بکنید، انگلیس هم از این پشتیبانی کرده و گفته است که باید از این پشتیبانی بکنید. یک نفر آدمی که نه گوئید قبولش دارد نه هیچ یک از طبقات ملت از هر جا گوئید قبولش ندارند، بلکه چند تا از اشرا را دارند که می آورند توی خیابان ها، از خودشان هست این اشرا، فریاد هم می کنند، از این حرف ها هم می زنند لکن ملت این است، این ملت است (اشاره به حضار). می گوید که در یک مملکت که دو تا دولت نمی شود، خوب واضح است ایسن، یک مملکت دو تا دولت ندارد لکن دولت غیرقانونی باید برود، تو غیرقانونی هستی، دولتی که ما می گوئیم، دولتی است که متکی به آرای ملت است، متکی به حکم خداست، تو باید یا خدا را انکار کنی یا ملت را. باید سراجیش بنشیند

بختیار مدعی می شود که به امام قدس سره نزدیک شده و قرار ملاقات با ایشان دارد. امام بلافاصله ادعای وی را تکذیب و عوم را از فریبکاری های او بر حذر داشتند. در همین زمان رییس شورای سلطنت در پاریس ضمن استعفا اعلام کرد که شورای سلطنت غیر قانونی است.

تحصن در دانشگاه تهران بازماندگان رژیم، بازگشت امام قدس سره را به مصلحت خود نمی دانستند، و مسأله مراجعت رهبر در رأس همه مسایل قرار گرفت و اولین خواست اجتماعات و تظاهرات عظیم گردید. مسجد دانشگاه تهران به مرکز نقل این تقاضا تبدیل شد. تحصن علما و روحانیون و مدرسین حوزه ها در دانشگاه تهران مبارزه را شدیدتر کرد. سرانجام این تحصن و دیگر حوادث روزهای بعد، دولت غیر قانونی بختیار را مجبور به گشودن فرودگاه های کرد. پر شکوه ترین استقبال تاریخ پس از فرار شاه، ملت منظر بازگشت امام خمینی «قدس سره» بودند. برای مردم آمدن امام قدس سره پیروزی بزرگی بود و برای تشکیل حکومت اسلامی حضور ایشان را الزامی می دانستند. قبلاً دولت بختیار سعی داشت این بازگشت را با تأخیر مواجه کند تا دولت سوسیال دمکرات بختیار فرصت پیدا کند و بر اوضاع مسلط گردد. به همین علت امام «قدس سره» می خواست هر چه زودتر در تهران باشد. کارکنان اعصابی رادیو تلویزیون اعلام کردند برای ضبط و پخش مستقیم مراسم آماده اند. فرودگاه مهرآباد آماده ی استقبال از پرواز انقلاب بود. سرانجام روزنامه های عصر ۱۱ بهمن خبر دادند «امام فردا در تهران است». اما قطعی نبود. از دیگر شهرها هم هزاران نفر به تهران آمده بودند.

روز بعد به تاگاه بلندگوها خبر دادند هواپیمای افرانس حامل امام «قدس سره» به تهران نزدیک می شود. فرستنده تلویزیون آماده پخش مستقیم مراسم استقبال بود و لحظه ورود ایشان را به معرض نمایش گذاشت. که ناگهان با اشغال تلویزیون توسط گارد برنامه سیما قطع و سردر شاهنشاهی پخش شد که این امر خشم عمومی را برانگیخت.

امام قدس سره اولین سخنرانی خود را در فرودگاه مهرآباد با تشکر از ملت ایران ایراد کرد و در فرازهایی از آن فرمود:(۲)

این ملت حرفی را که داشتند در زمان محمدرضاخان می گفتند که این سلطنت را ما نمی خواهیم و سرنوشت ما با خود ماست، در حال هم می گویند که ما این وکلا را غیرقانونی می دانیم، این مجلس سنا را غیرقانونی می دانیم، این دولت را غیرقانونی می دانیم. آیا کسی که خودش از ناحیه مجلس، از ناحیه مجلس سنا، از ناحیه شاه منصوب است و همه آنها غیر قانونی هستند، می شود که قانونی باشد ما می گوئیم که شما غیر قانونی هستید باید بروید. ما اعلام می کنیم که دولتی که با اسم دولت قانونی خودش را معرفی می کند، حتی خودش قبول ندارد که قانونی است، خودش تا چند سال پیش از این، تا آنوقت که دستش نیامده بود این وزارت، قبول داشت که غیرقانونی است، حالا چه شده است که می گوید من قانونی هستم این مجلس غیرقانونی است، از خود وکلا بپرسید که آیا شما را ملت تعیین کرده است هر کدام ادعا کردند که ملت تعیین کرده است، ما دستشان را می دهیم دست یک نفر آدم ببرد او را در حوزه انتخابیه اش، در حوزه انتخابیه اش از مردم سوال می کنیم که این آقا آیا وکیل شما هست، شما او را تعیین کردید حتما بدانید که جواب آنها نفی است. بنابر این آیا یک ملتی که فریاد می کند که ما این دولت مان، این شاه مان، این مجلس مان برخلاف قوانین است و حق شرعی و حق قانونی و حق بشری ما این است که سرنوشت ما دست خودمان باشد، آیا حق این ملت این است که یک قبرستان شهید برای ما درست بکنند، در تهران، یک قبرستان هم در جاهای دیگر

من باید عرض کنم که محمد رضای پهلوی، این خائن خیبت برای ما رفت، فرار کرد و همه چیز ما را به باد داد. مملکت ما را خراب کرد، قبرستان های ما را آباد کرد. مملکت ما را از ناحیه اقتصاد خراب کرد. تمام اقتصاد ما الان خراب است و از هم ریخته است که اگر چنانچه بخواهیم ما این اقتصاد را به حال اول برگردانیم، سال های طولانی با همت همه مردم، نسه یک دولت این کار را می تواند بکند و نه یک قشر از اقشار مردم این کار را می تواند بکنند، تا تمام مردم دست به دست هم ندهند نمی توانند این به ریختگی اقتصاد را از بین ببرند. شما ملاحظه کنید، به اسم اینکه ما می خواهیم زراعت را، دهقان ها را دهقان کنیم، تا حالا رعیت بودند و ما می خواهیم قلا دهقانان کنیم، اصلاحات ارضی درست کردند، اصلاحات ارضی شان بعد از این مدت طولانی اینجا منتهی شد که بکلی دهقانی از بین رفت، بکلی زراعت ما از بین رفت و الان شما در همه چیز محتاجید به خارج؛ یعنی محمدرضا این کار را کرد تا بازار درست کند از برای آمریکا و ما محتاج به او باشیم در اینکه گندم از او بیاوریم، برنج از او بیاوریم، همه چیز را، تخم مرغ از او بیاوریم یا از اسرائیل که دست نشانده آمریکاست بیاوریم.

بنابراین- کارهایی که این آدم کرده به عنوان اصلاح، این کارها خودش افساد بوده است. قضیه اصلاحات ارضی یک طعمه ای بر مملکت ما وارد کرده است که تا شاید بیست ساله ای دیگر ما توانیم این را جبرانتش بکنیم مگر همه ملت دست به هم بدهند و کمک کنند تا سال بگذرد و جبران بشود این معنا.

فرهنگ ما را یک فرهنگ عقب نگه داشته درست کرده

است، فرهنگ ما را این عقب نگه داشته به طوری که جوان های ما تحصیلاتشان در اینجا تحصیلات نام و تمام نیست و باید بعد از اینکه یک مدتی در اینجا یک نیمه تحصیلی کردند آن هم با این مصیبت ها، آن هم با این چیزها، باید بروند در خارج تحصیل بکنند. ما پنجاه سال است، بیشتر از پنجاه سال است دانشگاه داریم و قریب سی و چند سال است که این دانشگاه را داریم لکن چون خیانت شده است به ما، از این جهت رشد نکرده، رشد انسانی ندارد، تمام انسان ها و نیروی انسانی ما را از بین برده است این آدم. این آدم به واسطه توری که داشته، مراکز فحشا درست کرده، تلویزیونش مرکز فحشاست، رادیویش بسیاریش

می کنم و در اولین فرصت پیش مردم به ایران خواهم رفت تا با آنها یا کشته شوم و یا حقوق ملت را بگیرم که به ملت برگردانم، خداوند همه ی شمشا را توفیق بدهد، ملت ایران باید بداند که این شخص که متکفل حکومت شده است، به ایل خودش خیانت می کند. آن ایلی که پشتوانه ی ایران بودند و رضاشاه آنها را از پای در آورد، این شخص به ایل خودش، به ایل خودش خیانت می کند. باید ایل بختیاری بداند که این اشخاص را که به آنها خیانت می کنند از جلوه راه ملت بردارند. باید ارتش بداند که اینها خیانتکارند و به آنها کمک نکنند. باید همه ی ایران بدانند که توطئه ای در کار است. از این توطئه باید جلوگیری شود. این آخرین قدمی است که این خائنین بر می دارند و ما ان شاء الله این قدم را هم می شکنیم و پیش شما می آیم و آنها را به جای خودشان خواهیم نشاناد.» از امام «قدس سره» سؤال شد؛ چه وقت تصور می کنید که خواهید توانست به ایران بروید؟ فرمود:

«هر وقت که منع برداشته شود و فرودگاه ها باز شود من به ایران خواهم رفت و اگر بنا باشد خون من بریزد، در پیش رفقای خودم و همراه جوان های ایران بریزد. ما از این هیچ باکی نداریم و سرفراززی اسلام و ایران را می خواهیم.»

از ایشان سؤال شد؛ آیا توصیه می کنید که مردم با برداشتن سلاح فرودگاه را برای بازگشت شما باز کنند؟

امام خمینی پاسخ دادند: «عجالتا بنا ندارم که امر به برداشتن سلاح بکنم. هر وقت صلاح دیدم این امر را می کنم و به آنها می فهمانم که چه باید بکنند.»

از امام «قدس سره» سؤال شد؛ ممکن است به یک فرودگاه کشور نزدیک ایران بروید و از آنجا عازم ایران شوید؟ ایشان پاسخ دادند:

«باید مطالعه شود.»

برسیده شد؛ با توجه به این که بازگشت شما ممکن است باعث خونریزی های بیشتر شود، آیا باز هم اصرار به بازگشت خواهید داشت؟ امام خمینی فرمودند: «

من باید پیش برادرهایم باشم.»

و در پاسخ به این پرسش که آیا این آغاز یک جهاد جدید است؟ فرمود: «

ممکن است.»

رفراندمی تحقق پیدا کرد و همه ملت هم ما فرض کنیم که رای مثبت دادند، اما رای مثبت دادند بر آقامحمدخان قجر و آن سلاطینی که بعدها می آیند.

در زمانی که ما بودیم و زمان سلطنت احمدشاه بود، هیچ یک از ما زمان آقامحمدخان را ادراک نکرده، آن اجداد ما که رای دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رای دادند که زمان ما احمد شاه سلطان باشد سرنوشت هر ملت دست خودش است، ملت در صد سال پیش از این، صدوپنجاه سال پیش از این، یک ملتی بوده، یک سرنوشتی داشته است و اختیاری داشته ولی او اختیار ماها را نداشته است که یک سلطانی را بر ما مسلط کند.

ما فرض می کنیم که این سلطنت پهلوی، اول که تاسیس شد به اختیار مردم بود و مجلس موسسان را هم به اختیار مردم تاسیس کردند و این اسباب این می شود که - بر فرض اینکه این امر باطل، صحیح باشد- فقط رضاخان این زمان معین کنند؛ بنابر این سلطنت محمدرضا اولاً که چون سلطنت پدرش خلاف قانون بود و با سرنیزه تاسیس شده بود مجلس، غیر قانونی است، پس سلطنت محمدرضا هم غیر قانونی است و اگر چنانچه سلطنت رضاخان فرض بکنیم که قانونی بوده، به چه حقی آنها داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند هر کسی سرنوشتش با خودش است، مگر پدرهای ما ولی ما هستند؟ مگر آن اشخاصی که درصد سال پیش از این، هشتاد سال پیش از این بودند، می توانند سرنوشت ما ملتی را که بعدها وجود پیدا کنند، آنها تعیین بکنند؟ این هم یک دلیل که سلطنت محمدرضا سلطنت قانونی نیست. علاوه بر این، این سلطنتی که در آنوقت درست کرده بودند و مجلس موسسان هم ما فرض کنیم که صحیح بوده است، این ملتی که سرنوشت خودش با خودش باید باشد، در این زمان می گوید که ما نمی خواهیم این سلطان را.

وقتی که اینها رای دادند به اینکه ما سلطنت رضاشاه را، سلطنت محمدرضاشاه را، رژیم سلطنتی را نمی خواهیم، سرنوشت اینها یا خودشان است، این هم یک راه است از برای اینکه سلطنت او باطل است.

حالا می آیم سراغ دولت هائی که ناشی شده از سلطنت محمدرضا و مجلس هائی که ما داریم. در تمام طول مشروطیت الا بعضی از زمان ها آن هم نسبت به بعض از وکلا، مردم دخالت نداشتند در تعیین وکلا. شما الان اطلاع دارید که در این مجلسی که حالا هست، چه مجلس شورا و چه مجلس سنا و شما ملت ایران هستید، شما ملتی هستید که در تهران سسکتی دارید، من از شما مردم تهران سوال می کنم که آیا این وکلائی که در مجلس هستند، چه در مجلس سسنا و چه در مجلس شورا شما اطلاع داشتید که اینها را خودتان تعیین کنید اکثر این مردم می شناسند این افرادی را که به عنوان مجلس و به عنوان وکیل مجلس سنا یا مجلس شورا در مجلس هستند یا این هم با زور تعیین شده بدون اطلاع مردم.

مجلسی که بدون اطلاع مردم است و بدون رضایت مردم است، این مجلس، مجلس غیرقانونی است. بنابر این اینهایی که در مجلس نسته اند و مال ملت را گرفته اند به عنوان اینکه حقوق هر فرض کنید که وکلی اینقدر است، این حقوق را حق نداشتند بگیرند و ضامن هستند. آنهائی هم که در مجلس سنا هستند، آن ها هم حق نداشتند و ضامن هستند

و اما دولتی که ناشی می شود از یک شاهی که خودش

و پدرش غیر قانونی است، خودش علاوه بر او غیرقانونی است، و کلانئ که تعیین کرده است غیرقانونی است، دولتی که از همچو مجلسی و همچو سلطانی انشا بشود، این دولت غیرقانونی است.

با گسترش قیام مردم و خروج شاه از ایران، شاپور بختیار به عنوان تنها امید رژیم پهلوی، به عنوان نخست وزیر معرفی و باقی مانده بود.

این ایام که مصادف با اربعین امام حسین «علیه السلام» و گسترش راهپیمایی ها و اعتراضات مردمی بود، امام «قدس سره» طی پیامی، نکات تازه ای را برای هوشیاری مردم یادآور می شوند. همزمان با سایر شهرها، در تهران نیز راهپیمایی ها ادامه می یابد و فریاد الله اکبر جمعیت میلیونی لرزه بر اندام آخرین بقایای طاغوت می اندازد.

انسان های بپا خاسته و از جان گذشته با عزمی پولادین می روند تا سرنوشت مملکت پهلوی را به دست بگیرند و همگی خواستار انحلال حکومت پهلوی و تشکیل حکومت اسلامی هستند و با شعار «استقلال، آزادی ، جمهوری اسلامی» خط مشنی آینده را ترسیم می نمایند. به دنبال گسترش قیام مردمی، امام قدس سره در پیامی عزم خود را مبنی بر بازگشت به ایران اعلام می دارد. بختیار که با حمایت امریکا و به عنوان یک چهره ی ملی قصد مهار انقلاب و خاموش کردن شعله های قیام را دارد، خود را در این امر ناتوان می یابد و می کوشد که با قانونی جلوه دادن دولت خود، قیام مردم را سرکوب نماید. مخالفت خود را با بازگشت امام قدس سره اعلام، و دستور بسته شدن فرودگاه های کشور را می دهد. در پی انتشار این دستور مردم خشمگین، به خیابان ها ریخته و با تحصن و شعارهای کوبنده دولت بختیار را مخاطب قرار می دهند. امام «قدس سره» در روز پنج شنبه پنجم بهمن که از بازگشت ایشان به ایران جلوگیری شد، ضمن مصاحبه ای فرمود:(۱)

«من از ایرانیانی که با ما همراهی کرده اند متشکرم. من می خواستم فردا را در میان ملت باشم و هر رنجی که آنها می برند من هم با آنها باشم. لکن دولت خائن از این امر مانع شده و همه ی فرودگاه های ایران را بست. من پس از باز شدن فرودگاه ها، بلافاصله به ایران خواهم رفت به او خواهم فهماند که شما غاصب هستید و خائن به ملت ما، و ملت ما دیگر تحمل شما نوکرهای خارجی را نخواهد کرد. باری اینها باید بدانند که وقت آن که قلدری بکنند گذشت. من ملت ایران را به ادامه ی نضت دعوت می کنم تا این قلدرها را بر جای خودشان بنشانند. لکن آرامش را از دست ندهند. من از همه ی ملت ایران تشکر

اتاق خبر ۲۴ منتشر کرد متن کامل سخنرانی حضرت امام خمینی(ره) در بهشت زهرا(س)



به مناسبت فرا رسیدن سالروز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، متن کامل سخنرانی امام خمینی(ره) در بهشت زهرا منتشر می‌شود. متن کامل سخنرانی حضرت امام خمینی(ره) در بهشت زهرا(س) (اتاق خبر ۲۴:

به مناسبت فرا رسیدن دهه فجر متن کامل سخنرانی خاتره‌نابین و تاریخی امام خمینی (ره) در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در بهشت زهرا، در اتاق خبر ۲۴ منتشر می‌شود که به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در این مدت مصیبت‌ها دیده‌ایم، مصیبت‌های بسیار بزرگ و بعضی پیروزی‌ها حاصل شد که البته آن هم بزرگ بوده، مصیبت‌های زن های جوان مرده، مردهای اولاد از دست داده، طفل‌های پدر از دست داده.

من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولاد خودشان را از دست داده‌اند می افتد، سنگینی در دوشم پیدا می‌شود که نمی‌توانم تاب بیاورم. من نمی‌توانم از عهده این خسارات که بر ملت ما وارد شده است برآیم، من نمی‌توانم تشکر از ایسن ملت بکنم که همه چیز خودش را در راه خدا داد، خدای تبارک و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید.

من به مادرهای فرزند از دست داده تسلیت عرض می‌کنم و در غم آنها شریک هستم. من به پدرهای جوان داده، من به آنها تسلیت عرض می‌کنم. من به جوان هائی که پدرانشان را در این مدت از دست داده اند تسلیت عرض می‌کنم.

خوب، ما حساب بکنیم که این مصیبت‌ها برای چه به این ملت وارد شد، مگر این ملت چه می‌گفت و چه می‌گوید که از آن‌وقت که صدای ملت در آمده است تا حالا قتل و ظلم و غارت و همه اینها ادامه دارد. ملت ما چه می‌گفتند که مستحق این عقوبات شدند ملت ما یک مطلبش این بود که این سلطنت پهلوی از اول که پایه گذاری شد برخلاف قوانین بود.

آنهائی که در سنن من هستند، می‌دانند و دیده‌اند که مجلس موسسان که تاسیس شد، با سرنیزه تاسیس شد، ملت هیچ دخالت نداشتند در مجلس موسسان، مجلس موسسان را با زور سرنیزه تاسیس کردند و با زور، وکلای آن را وارد کار کردند به اینکه به رضاشاه رای سلطنت بدهند. پس این سلطنت از اول یک امر باطلی بود، بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است.

برای اینکه ما فرض می‌کنیم که یک ملتی تمامشان رای داند که یک نفری سلطان باشد، بسیار خوب، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، رای آنها برای آنها قابل است؛ لکن اگر چنانچه یک ملتی رای دادند (ولو تمامشان) به اینکه عقاب این سلطان هم سرنوشت باشد، این به چه حقی ملت پنجاه سال از این، سرنوشت ملت بعد از معین می‌کند سرنوشت هر ملتی به دست خودش است.

ما در زمان سابق، فرض بفرمایند که زمان اول قاجاریه نبودیم، اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه به واسطه یک